

بررسی تطبیقی سفال‌های کرمان و
مشهد در دوره صفوی و میزان تأثیر
آنها از هنر چینی



جام گلابی شکل، نقاشی رولعابی،
سده ۱۷م، مشهد، مأخذ:
www.brooklynmuseum.org

بررسی تطبیقی سفال‌های کرمان و مشهد در دوره صفوی و میزان تأثیر آن‌ها از هنر چینی *

دکتر عباس اکبری ** علی صادقی طاهری ***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۸/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۱۵



چکیده

هنر سفالگری دوره صفوی همچون دیگر هنرهای این دوره شاهد بالندگی و پویایی بسیاری بوده است. در مراکز متعددی در این دوره سفال‌های ممتازی از زرین‌فام و کوباجی و «سفید و آبی» گرفته تا سلادون و گمبرون پدید آمده است. در این میان از دو شهر کرمان و مشهد سرامیک‌های بسیاری به جا مانده است. این پژوهش که با روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مکتوب انجام شده است با آگاهی به اینکه کرمان و مشهد در پیشینه سفالگری ایران و اوج درخشش دوره‌های گذشته (سلجوقی و ایلخانی) نام‌های بزرگی نبوده‌اند در پی پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین ویژگی‌های سفال دوره صفوی از نظر فرم، رنگ، لعاب و کاربرد آن در این مراکز چیست و میزان تأثیرپذیری آن‌ها از سفالگری چینی تا چه اندازه است؟ دو شهر کرمان و مشهد در دوره اوج هنرهای صفوی سهم بزرگی در سفالگری این دوره دارند. سفالینه‌های مشهد این تأثیرات چینی را در نقوش و کیفیت ساخت بیشتر بازتاب می‌دهند و در سفال‌های کرمان شاهد تنوع بیشتری در فرم، نقش، رنگ و لعاب سفال‌های تولید شده هستیم. این دو شهر با توجه به تنوع زیاد آثار سفال و سرامیک برجای مانده از آن‌ها می‌توانند نماینده سفالگری دوره صفوی باشند.

واژگان کلیدی

سفالگری صفوی، سفال‌های کرمان، سفال‌های مشهد، بدل چینی.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد علی صادقی طاهری با عنوان بررسی تطبیقی سفالگری دوره صفوی و دوره عثمانی، قرن دهم و یازدهم هجری، در دانشگاه کاشان است.

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، شهر کاشان، استان اصفهان (مسئول مکاتبات)

Email: abbas_a_uk@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، شهر کاشان، استان اصفهان.

Email: sadeghitaheri@gmail.com

مقدمه

هنر سفالگری در تاریخ پر فراز و نشیب سرزمین ایران از گذشته‌های دور و پیش از تاریخ تا امروز حیاتی شکوهمند و افتخارآمیز داشته است، چنان‌که هنرشناسان غیرایرانی بسیاری را شیفته خود کرده و زبان گویایی برای بیان فرهنگ و تمدن این سرزمین بوده است.

در بین هنرهای دوره صفوی، که به گواه بسیاری از پژوهندگان یکی از دوره‌های طلایی هنر ایران پس از اسلام است، سفالگری نیز جایگاه شایسته‌ای دارد و طی بیش از دو قرن جوشش هنری از اواخر قرن پانزدهم میلادی شروع شده و در اواخر قرن هفدهم میلادی به جایگاهی متفاوت از خاستگاه اولیه‌اش دست یافته است.

این نوشتار در پی بررسی و واکاوی ویژگی‌هایی از سفال دوره صفوی است که در دو مرکز عمده تولید سفال آن عصر یعنی کرمان و مشهد پدید آمده است تا از این رهگذر به شناخت بیشتری از هنر سفالگری دوره صفوی دست یابد و تأثیرات عوامل مختلف بر شکل‌گیری و تعالی این هنر در دوره صفوی را بازشناسد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: تحولات سفالگری در این دو مرکز چگونه شکل گرفته است؟ وجوه اشتراک یا تفاوت میان آن‌ها چیست؟ میزان و دلایل تأثیرپذیری تولیدات سفالی هرکدام از این مراکز از سفالگری چینی چیست؟

روش تحقیق

این مقاله کوشیده است با روشی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گرفتن از منابع کتابخانه‌ای و بررسی نمونه‌های پرشمار بازمانده از سفال کرمان و مشهد در موزه‌های بزرگ جهان مطالعه‌ای تطبیقی انجام دهد. در این بررسی ضمن بهره‌گرفتن از نظرات صاحب‌نظران هنر سفالگری و استفاده از کتب و نوشته‌های آنان، مقایسه، تطبیق و تحلیل تازه‌ای از موضوع مورد نظر انجام شده است تا مهم‌ترین ویژگی‌های سفال صفوی و میزان تأثیرپذیری آن از سفال چینی را بشناساند.

پیشینه تحقیق

درباره سفالگری دوره صفوی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. از جمله: سیوری (۱۳۸۶) در کتاب ایران عصر صفوی مراکز مهم تولید سفال و انواع سفال‌ها را دسته‌بندی می‌کند. دیماند (۱۳۸۳) در کتاب راهنمای صنایع اسلامی سفال صفوی را به دو دسته خالص ایرانی و تقلیدی از هنر چینی تقسیم می‌کند و معتقد است که بهترین ظروف سفالی این دوره در شهرهای شیراز، مشهد، یزد و کرمان تولید شده‌اند. ایروین (۱۳۸۹) در کتابش با عنوان هنر اسلامی به این نتیجه می‌رسد که تقلید از ظروف چینی عامل بسیار مهمی در گسترش سفال صفوی بوده است.

گلمبک (۱۳۸۵) در مقاله «صنعت سفال صفوی کرمان»



تصویر ۱. راست بالا: بشقاب با نقوش جانور افسانه‌ای و ابرهای چینی، سده ۱۷م، چپ، بالا: جزئیات نقش روی ظرف، پایین: نقشی به تقلید از حروف چینی در پشت ظرف. مأخذ: www.rom.on.ca

ویژگی‌هایی را برای شناسایی سفال کرمان برمی‌شمارد از جمله رقم سفالگران کرمانی که با خط چینی ثبت شده است و آن‌ها را از این نظر با سفال‌های مشهد مقایسه می‌کند. فهروری (۲۰۰۰) در کتابش با عنوان سفالگری جهان اسلام سفال دوره صفوی را بررسی و دسته‌بندی می‌کند و ویژگی‌های مهم آن‌ها را براساس نمونه‌های موجود در موزه طاروق رجب کویت ذکر می‌کند. لین (۱۹۷۱) هم در کتاب سفال اسلامی متأخر به سفال‌های چند رنگ کرمان توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد و ویژگی‌های سفال زرین‌فام، کوباجی و «سفیدآبی» در دوره صفوی را بیان می‌کند. در این مقاله با دیدگاهی نو و با گردآوری ویژگی‌های سفال کرمان و مشهد از منابع ذکر شده و تطبیق آن‌ها با هم به سفالگری صفوی در این دو مرکز پرداخته خواهد شد. نمونه‌های فراوان بازمانده از سفالینه‌های این دو مرکز، انگیزه اصلی در بررسی تطبیقی آن‌ها خواهد بود و مهم‌ترین ویژگی‌های سفال صفوی از فرم و رنگ گرفته تا لعاب و کاربرد آن‌ها و میزان و نحوه تأثیرپذیری از سفال چینی در این دو شهر بررسی می‌شود و میزان اهمیت و جایگاه هرکدام از این دو شهر در تولید سفال دوره صفوی روشن می‌شود.



تصویر ۴. جام گلابی شکل، نقاشی رولعابی، سده ۱۷م، مشهد، مأخذ: www.brooklynmuseum.org



تصویر ۳. بشقاب زرین فام صفوی، مشهد، سده ۱۷م، مأخذ: www.rom.on.ca



تصویر ۲. بشقاب با نقش نیم تنه انسانی و نقوش گیاهی، سده ۱۷م، مأخذ: www.metmuseum.org



تصویر ۶. ظرف به شکل فیل، سده ۱۷م، احتمالاً کرمان، مأخذ: www.metmuseum.org



تصویر ۵. قلیان کروی شکل، نقاشی زیرلعابی، احتمالاً کرمان، مأخذ: آلن، ۱۳۸۳: ۶۷.

اهمیت سفالگری و ویژگی‌های کلی انواع سفال دوره صفوی

با اینکه سلسله صفویه در اوایل قرن دهم هجری تأسیس شد، اوج بالندگی و رشد هنرها و به ویژه سفالگری از اواخر این قرن آغاز شد. در نیمه اول این قرن مانند دوره تیموری فقط تزئین سفالینه‌ها با نقوش چینی بود و بدنه‌ها مانند گذشته تهیه می‌شد. در اواخر قرن دهم که شاه عباس پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد، توجه زیاد پادشاهان دوره صفوی نسبت به ظروف چینی موجب شد تا به سرعت از سفالینه‌های چینی تقلید شود. «سفالگران ایرانی موفق شدند تا ظروفی نزدیک به ظروف چینی بسازند که اگرچه به سختی ظروف چینی نبود ولی غالباً نزدیک و شبیه به آن بود. گاهی این تقلید به قدری خوب از کار درمی‌آمد که بسیاری از قطعات ظروف ایرانی با چینی اصل اشتباه گرفته می‌شد و گاهی حتی حروف چینی در پشت آن هانقش می‌شد» (دیماند، ۱۳۸۳: ۱۹۸؛ تصویر ۱). تأثیر حضور سفالگران چینی که شاه‌عباس به ایران آورده بود باعث پدید آمدن انواع تازه‌ای از سفالینه‌های آبی و سفید با الهام از سفالگری چینی شد. اما به جز سفالینه‌های

موسوم به آبی و سفید که تأثیرات شدید هنر چینی را نشان می‌داد سفالینه‌های دیگری نیز در دوره صفوی تولید می‌شد از جمله سفال کوباچی که دارای گستره رنگی وسیع‌تر و روشن‌تری بود و با طرح‌های متنوعی مثلاً ترنجی در مرکز و تصاویر نیم‌تنه انسانی و ضربه‌های سریع قلم مو نقاشی می‌شد (تصویر ۲). استفاده از چند رنگ به جز سفال‌های کوباچی در آثار دیگری از این دوره نیز رواج داشته است که در نقوش نیز از سفال‌های چینی تقلید نمی‌کردند و از شیوه نقاشانی مثل رضا عباسی پیروی می‌کردند که در حقیقت تمام هنرهای تصویری دوره صفوی از آثار او متأثر بود. سفال زرین‌فام نیز که در قرن پانزدهم میلادی رو به زوال رفته بود در این دوره حیات تازه‌ای پیدا می‌کند. بشقاب‌ها، کاسه‌ها، جام‌ها، گلدان‌ها و فنجان‌های کوچک زرین‌فام این دوره با رنگ‌های مختلف از قبیل طلایی، قهوه‌ای و مسی روی زمینه‌های سفید، آبی تیره و گاه آبی روشن و زرد تزئین می‌شدند. نقوشی که بر این ظروف دیده می‌شود مانند ظروف آبی و سفید متأثر از هنر چینی نیستند، بلکه بیشتر ایرانی هستند (تصویر ۳). اهمیت سفالگری دوره صفوی به حدی است که تقریباً تمام آثار سفال پس از



تصویر ۹. کاسه با نقاشی زیرلعابی، کرمان، سده ۱۷ م، مأخذ: www.rom.on.ca



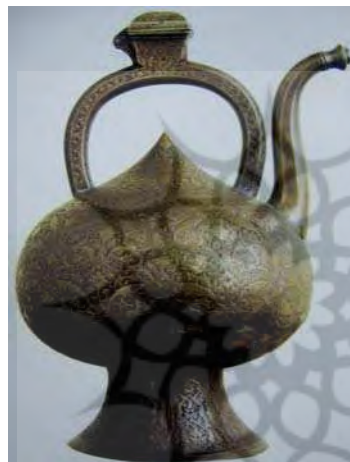
تصویر ۸. بشقاب با نقاشی زیرلعابی، سده ۱۷ م، کرمان، مأخذ: www.metmuseum.org



تصویر ۷. اسپتون، سده ۱۷ م، مشهد، مأخذ: www.lacma.org



تصویر ۱۲. ظرف به شکل چنگ، اواخر سده ۱۷ م، کرمان، مأخذ: www.rom.on.ca



تصویر ۱۱. قوری فلزی، حدود ۱۶۰۰ م، هند، دکن، مأخذ: Canby, 2009: 216



تصویر ۱۰. قوری سفالی باتزئین آبی زیرلعابی، مشهد، سده ۱۷ م، مأخذ: کنبی، ۱۳۸۷: ۱۱۲

دیگری رونق گرفت. در این زمان «سفالینه‌های ساخت کرمان و مشهد وارد صحنه می‌گردند» (فریه، ۱۳۷۴: ۲۶۶). می‌دانیم که در دوره ایلخانی مراکز مهم سفالگری مثل کاشان و سلطان‌آباد رونق زیادی داشتند، اما در دوره تیموری و در قرن‌های هشتم و نهم هجری سفالگری از رونق بازماند و آثار کمتری نسبت به دوره‌های قبل تولید شد که شاید به سبب علاقه پادشاهان تیموری به ظروف وارداتی چینی در این دوره باشد و به مرور زمان کارگاه‌های مرکز مهمی مثل کاشان روبه تعطیلی رفتند. «تولید سفال در نیمه دوم سده ۱۴ م/۸ق در کاشان متوقف شد. در همین زمان کارگاه‌های جدید متعددی به‌ویژه در شهرهای کرمان و مشهد به وجود آمد» (فهروری، ۱۳۸۸: ۵۹). کرمان و مشهد از این زمان به بعد به‌عنوان مهم‌ترین مراکز سفالگری مطرح می‌شوند و در دوره صفوی به اوج می‌رسند. اهمیت کرمان در تولید سفال دوره صفوی تا آن حد است که «هم منابع فارسی و هم منابع اروپایی بر این مطلب تأکید دارند که کرمان به‌عنوان مرکز تولید بهترین ظروف صفوی

صفویان، از افشاریه و زندیه تا قاجار، نشانه‌های عمده‌ای از سفال این دوره دارند. در حقیقت «شیوه تصویرگری صفوی مدت‌ها پس از سقوط این دودمان پابرجا بود و به صورتی تضعیف شده شیوه اصلی سفالگری دوره قاجار باقی ماند» (هیلن برند، ۱۳۸۷: ۱۹۳).

مراکز عمده تولید سفال در دوره صفوی

در دوره صفوی شاهد تنوع بسیاری در آثار سفالی هستیم که در شهرهای مختلف ایران تولید شده‌اند. کاشان، تبریز، اصفهان، یزد و شیراز مهم‌ترین شهرهایی هستند که در آغاز دوره صفوی کارگاه‌های سفالگری داشته‌اند. با انتخاب تبریز به‌عنوان پایتخت، تولید سفال در مناطق شمال غربی ایران از جمله تبریز و اردبیل رونق فراوانی یافت. سفال‌هایی که امروزه به‌نام کوباچی یا کوباچه می‌شناسیم عمدتاً در شهرهای تبریز و اردبیل تولید می‌شدند. اواسط دوره صفوی یعنی از اواخر قرن دهم هجری بود که سفالگری صفوی به اوج اعتلای خود رسید و سفالگری در شهرهای

۱. تعیین دقیق محل تولید این ظروف که بیشترشان در پایان سده نوزدهم میلادی در روستای کوباچه داغستان یافت شده‌اند مقدور نیست. اما همین قدر پیداست که این سفالینه‌ها در شمال غربی ایران ساخته شده‌اند و علت شباهت محرز نقش گل و بتّه دور ظروف به سفالینه‌های «یزنیک» عثمانی نیز همین است (ولش، ۱۳۸۵: ۶۱). برای مطالعه بیشتر نک: فیروز مهجور، ۱۳۹۱. «ایران خاستگاه سفالینه‌گونه موسوم به کوباچه». مطالعات باستان‌شناسی دانشگاه تهران، دوره ۱، ش ۲.



تصویر ۱۵. گلدان، سده ششم هجری، ری، مأخذ: کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۸۱.



تصویر ۱۴. گلدان تک شاخه، حدود ۱۶۷۰ م، کرمان، مأخذ: www.rom.on.ca



تصویر ۱۳. پایه قلیان، اواخر سده ۱۷ م، کرمان، مأخذ: www.rom.on.ca

ترکیه این ظروف تغییر در عادات عامیانه نوشیدن ایجاد کرده و احتمالاً دارای کارکرد تزیینی صرف بوده‌اند» (آلن، ۱۳۸۳: ۵۸).

فرم دیگری که در سفال‌های این دوره بسیار دیده می‌شود کوزه‌های کوچکی است با بدنه کروی شکل و شانه‌های برجسته بادمانه باز که به اسپیتون^۲ معروف است (تصویر ۷). این فرم در میان تولیدات سفالین مشهد در دوره صفوی جایگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که تقریباً در هر موزه نمونه‌ای از آن یافت می‌شود. از فرم‌های دیگر در سفال‌های کرمان و مشهد فرم‌های گرد مثل بشقاب و کاسه با تنوع شکلی بسیار است، از ظروف با عمق و گودی بسیار کم تا کاسه‌های بسیار گود دیده می‌شود (تصویر ۸ و ۹).

در میان آثار سفالی دوره صفوی به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که از لحاظ شکل پیشینه‌ای در هنر ایران ندارند (تصویر ۱۰). این قوری سفالی بنا به اعتقاد آرتور لین و شیلا کنبی در مشهد تولید شده و از شکل نمونه‌های فلزی هندی اهداشده به حرم امام رضا (ع) تقلید شده است. ۳. لوله فلزی که بر این ظرف سفالین قرار دارد نیز می‌تواند تأیید کننده این نظریه باشد (تصویر ۱۱). «ابریق‌های فلزی به این شکل از سال ۱۰۱۱ ق/ ۱۶۰۲ م در ایران تولید می‌شدند، ولی شکل آن‌ها مقتبس از ظروف هندی نیمه قرن پانزدهم به بعد بود» (کنبی، ۱۳۸۷: ۱۳). در میان نمونه‌های کرمان سفال‌هایی هم دیده می‌شوند که با چرخ سفالگری تولید شده‌اند و باروش قالب‌گیری^۴ پدید آمده‌اند (تصاویر ۱۳ و ۱۲). تصویر ۱۲ فرمی شبیه به آلات موسیقی دارد و تصویر ۱۳ فرمی است که پیشینه‌ای برای آن در هنر ایران نمی‌توانیم پیدا کنیم و احتمالاً از ظروف شراب اروپایی الهام گرفته است و البته کاربرد قلیان دارد. از این نوع ظروف در بین

بوده است. نام یک سفالگر کرمانی به نام سید احمد هم در تذکره صفویه کرمان نوشته مشیزی و هم در تذکره نصرآبادی که در اواخر قرن هفدهم نوشته شده ذکر شده است» (کلمبک، ۱۳۸۵: ۱۵۲). یکی از دلایلی که کرمان به عنوان مرکز سفالگری در دوره صفوی مطرح شده است، موقعیت جغرافیایی این شهر و نزدیکی آن به بندرعباس (بندرگمبرون) برای صدور ظروف تولید شده به اروپاست. از این منظر کرمان دارای مزیت نسبت به جغرافیای شهر مشهد برای صادرات تولیدات و در نتیجه تنوع بیشتر در فرم، رنگ و نقوش بود. سفالگران مشهد نیز با توجه به پیشینه تاریخی که ذکر شد از اواخر دوره تیموری تلاش فراوانی برای تقلید از ظروف آبی و سفید چینی می‌کردند و همین امر عامل گسترش ساخت این‌گونه ظروف بود.

فرم و کاربرد سفال‌های مشهد و کرمان

با نگاهی اجمالی به سفالینه‌های بازمانده صفوی می‌توان گفت متنوع‌ترین آثار سفالی بازمانده از دوره صفوی به لحاظ شکل و فرم مربوط به شهرهای کرمان و مشهد است. بیشترین فرمی که در سفال‌های این دو منطقه دیده می‌شود جام‌های کروی یا گلابی‌شکل است با کاربردهای مختلف که در تولیدات کرمان بیشتر برای قلیان کاربرد داشته است (تصاویر ۴ و ۵). البته قلیان‌های تولید شده در این دوره به اشکال گوناگون از فیل گرفته تا شیر و وزغ و ققنوس و مرغابی نیز دیده می‌شوند. به جز قلیان‌ها ظروف دیگری نیز با فرم‌های حیوانی پدید آمده‌اند (تصویر ۶). فرم این ظرف فیلی‌شکل که شبیه به چینی‌آلات صادراتی دوره مینگ استاز نمونه‌های ظروف آبخوری چینی و بودایی موسوم به کندی^۱ اقتباس شده و می‌توان گفت کارکرد تزیینی داشته است. «به نظر می‌رسد در ایران و

1. kendi

۲. سلفدان (Spittoon) ظرفی است برای افکندن آب دهان و اخلاط سینه (لغتنامه دهخدا).
۳. با توجه به نوشته‌های روی دسته این ظرف (عمل محمود معمار یزدی) آرتور لین حدس می‌زند که محمود معمار یزدی همان کمال‌الدین محمود یزدی است که گنبد طلایی صحن که نه در مشهد را ساخته است و به این ترتیب نتیجه می‌گیرد که این ظرف کار مشهد است.

4. Moulding

بررسی تطبیقی سفال‌های کرمان و مشهد در دوره صفوی و میزان تأثیر آن‌ها از هنر چینی



تصویر ۱۷. تنگ آب، سده ۱۷ م، مشهد. مأخذ: کنبی، ۱۳۸۷: ۱۱۴.



تصویر ۱۶. ظرف سفالین بیضی شکل، اواخر سده ۱۶ و اوایل سده ۱۷ م، کرمان، مأخذ: www.stokemuseums.org.uk



تصویر ۱۹. پاساب حمام، سفال با تزیین زیر لعابی، سده ۱۷ م، کرمان. مأخذ: همان



تصویر ۱۸. تنگ آب، دوره اشکانی، سده اول ق.م، مأخذ: www.britishmuseum.org

را در هنر پیش از اسلام هم می‌بینیم (تصویر ۱۸). این فرم بیشتر در آثار مشهد دیده می‌شود. از آثار سفالین دیگر در دوره صفوی فرم‌هایی به شکل کفش هستند (تصویر ۱۹)، که «مصارف مختلفی از جمله به عنوان گلدان برای آن مطرح کرده‌اند. به رغم شکلش بسیار بعید است که به عنوان کفش هم به کار رفته باشد» (کنبی، ۱۳۸۷: ۱۱۵) و بر اساس نظر برخی از پژوهندگان به عنوان پاساب حمام به کار می‌رفته است.

نقش و رنگ در سفال‌های کرمان و مشهد

در طراحی نقوش سفال‌های دوره صفوی تأثیرات هنر چینی کاملاً مشهود است. توجه و علاقه‌ای که دربار صفوی همچون پیشینیان خود در دوره تیموری به ظروف چینی نشان می‌داد در این تأثیرپذیری نقشی تعیین‌کننده داشت. از ابتدای دوره صفوی تا حدود اواخر قرن شانزدهم نقوش بسیاری از سفال‌ها، مشابه نمونه‌های پیشین در دوره تیموری است (تصویر ۲۰).

نقوش گیاهی با پیچش‌های اسلیمی و برگ‌های ختایی به صورت آبی و سفید، نقوش حیوانی ساده‌شده و با حاشیه اجرا می‌شد. از اوایل قرن هفدهم، تفاوت در رنگ و نقش سفال‌های صفوی به‌ویژه در دو مرکز کرمان و مشهد به‌طور بارزی پدیدار می‌شود. در میان تولیدات سفال

تولیدات مشهد هم دیده می‌شود (جدول ۱، ردیف ۸). از نمونه‌های جالب دیگر در دوره صفوی گلدان‌هایی است تولید کرمان به شکل گل لاله یا سنبل که شکل ویژه آن مناسب برای قرار گرفتن گل‌های از شاخه جدا شده (تک‌شاخه) است (تصویر ۱۴). این فرم که در قرن ششم هجری هم در سفالگری ایران وجود داشته است^۱ (تصویر ۱۵) در دوره صفوی احیا شده و مورد استفاده فراوان قرار می‌گیرد. ظاهراً گل‌های تک‌شاخه در دوره صفوی مد روز بوده است.

ظروف بیضی‌شکل نیز از جمله آثار سفالین دیگر در دوره صفوی هستند که احتمالاً تقلیدی از فرم ظروف وارداتی است (تصویر ۱۶). کاربرد این ظروف که بیشتر به نام کشکول معروف‌اند به‌طور دقیق مشخص نیست، اما شاید ظرفی برای چاشنی غذا بوده باشند. نمونه‌پرکاربرد دیگر سفال‌های صفوی، تنگ آب^۲ است (تصویر ۱۷) که پیشینه زیادی در هنر سفالگری ایران دارد و حتی نمونه‌های آن

۱. از این نوع گلدان دو نمونه نیز در موزه طارق رجب کویت موجود است، یکی متعلق به قرن ۱۲م (دوره سلجوقی) با بدنه سفید و نقش آبی‌رنگ و یکی هم مربوط به اوایل قرن ۱۲م و با لعاب زرین‌فام. به‌نوشته فهوری این نوع گلدان در آن دوره بسیار محبوب و مردم‌پسند بوده است. (Fehervari, 2000: 97-12)

2. Pilgrim Flask



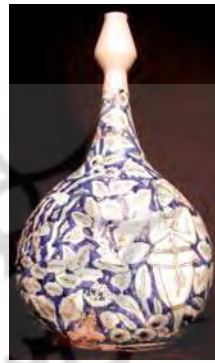
تصویر ۲۱. بشقاب با نقش پاکودا و عناصر منظره چینی، سده ۱۷م، مشهد، مأخذ: www.metmuseum.org



تصویر ۲۰. راست: ظرف آبی و سفید، سده ۱۵م، احتمالاً مشهد؛ چپ: بشقاب آبی و سفید، سده ۱۶م، کرمان، مأخذ: fehervari, 2000: 237.287



تصویر ۲۴. پایه قلیان، نیمه دوم سده ۱۷م، کرمان، مأخذ: همان



تصویر ۲۳. تنگ سفالین، سده ۱۷م، مأخذ: www.metmuseum.org



تصویر ۲۲. بشقاب با تقلید از پرسلان‌های چینی، سده ۱۷م، کرمان، مأخذ: www.rom.on.ca

مشابه چینی نسخه برداری می‌شدند. در تزیینات شان نیز از پیکره‌ها، منظره‌های چینی و نمادهای بودایی تقلید می‌شد» (فهروری، ۱۳۸۸: ۷۵؛ تصویر ۲۱ و ۲۲). در تصویر ۲۱ بشقابی را می‌بینیم با نقشی از پاکودا و عناصری از منظره‌های چینی و تصویر ۲۲ نیز کاسه‌ای است تولید کرمان در دوره صفوی که متأثر از منظره‌پردازی چینی است. در آثار سفالین ساخت مشهد در دوره صفوی کمتر آثاری را می‌بینیم که هنرمندان به کاربردن نقوش و تزیینات کاملاً ایرانی کوششی کرده باشد. هر چند ظروفی مانند تصویر ۲۳ با نقوشی تقریباً ایرانی تزیین شده‌اند. از این ظرف تعدا بسیاری نمونه مشابه با تغییر اندکی در جزئیات وجود دارد. نقوش این ظروف شباهتی اندک با نقوش گل‌وبرگ ختایی دارند. در میان سفال‌های مشهد نمونه‌های فراوانی وجود دارد که هر چند با نقوش آبی‌رنگ روی زمینه سفید کار شده‌است اما این نقوش آبی با خطوط سیاه و گاهی آبی تیره قلم‌گیری شده‌است به گونه‌ای که به طور قطع می‌توان آن‌ها را از آبی و سفیدهای چینی متمایز دانست (جدول ۲، ردیف ۵). همچنین در آثار مشهد نمونه‌هایی

کرمان و مشهد، سفال‌های موسوم به آبی و سفید به وفور دیده می‌شود که در بسیاری از آن‌ها می‌توان نقوشی چینی را دید (تصویر ۱۷)، اما نکته مهم این است که هنرمند دوره صفوی صرفاً مقلد تزیینات چینی نیست. «تزیینات آن چیزی برتر از تقلیدگری احترام‌آمیز نسبت به نمونه‌های چینی است» (فریه، ۱۳۷۴: ۲۶۷). نتیجه این ذوق آزمایی هنرمندان ایرانی در دوره صفویه سبب می‌شود که شاهد نوعی سفال آبی و سفید متمایز از آبی و سفیدهای چینی باشیم. اگرچه «بسیاری از ظروف چینی ساخت چین در دوره صفوی به ایران وارد شده و سفالگران ایرانی با آشنایی به نقوش و تزیینات ساخت چین بعضی از طرح‌های تزیینی را از چین اقتباس کرده‌اند، اما نمی‌توان اصل تکنیک آبی و سفید ایران را از چین دانست» (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۶۳). در بررسی سفال‌های آبی و سفید دوره صفوی در دو مرکز مشهد و کرمان نیز تفاوت‌های دیده می‌شود. به طور کلی در سفال‌های مشهد تأثیرپذیری از نقوش چینی بیشتر است به گونه‌ای «که در تزیینات آن‌ها دو پرده از رنگ آبی به کار می‌رفت. بشقاب‌ها کاسه‌ها و دیس‌ها از روی نمونه‌های

۱. پاکودا (Pagoda) معابد بودایی است که پس از نفوذ آیین بودا در چین ساخته می‌شد. ساختمان این معابد معمولاً از چوب بود و با سقف شیبدار و در طبقات متعدد ساخته می‌شد.



تصویر ۲۵. سه نمونه از رقم‌های چینی ثبت‌شده توسط سفالگران کرمان در سده ۱۷م، مأخذ: www.rom.on.ca



تصویر ۲۷. سفال‌های تولیدشده در کرمان با لعاب سلاون، سده ۱۷م، مأخذ: fehvary, 2000: 278.280

تصویر ۲۶. سفال با لعاب سلاون، سده ۱۷م، مأخذ: www.vam.ac.uk

دوره صفوی در دو مرکز کرمان و مشهد با شیوه زیرلعابی تزیین شده‌اند. تفاوتی که در این شیوه از آثار این دو شهر دیده می‌شود در نقوش برجسته‌ای است که در بعضی از آثار مشهد دیده می‌شود (جدول ۲، ردیف ۴). «به نظر می‌رسد که روی بدنه تنگ کنده‌کاری کرده‌اند تا اجزای ترکیب‌بندی کمی برجسته‌تر نشان دهد. به استثنای جزئیاتی که با قلم سیاه کشیده‌اند، بقیه را بی‌رنگ رها کرده‌اند و زمینه هم البته رنگ آبی زیر لعابی دارد» (کنبی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). در زمینه بدنه سفال هم سفالگران دوره صفوی تلاش بسیار کرده‌اند تا به اسلوب مورد علاقه پادشاهان صفوی، یعنی ظروفی به‌سختی ظروف آبی و سفید چینی، تولید کنند. این کوشش‌ها در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم به ثمر نشست. «در نیمه اول قرن شانزدهم مانند دوره تیموری فقط تزیین ظروف به اسلوب چینی و بدنه آن‌ها از گل نرم قهوه‌ای‌رنگ شبیه ظروف سفالی ایرانی از نوع کوباچه بود» (دیماند، ۱۳۸۳: ۱۹۸). اما تقریباً از زمان به قدرت رسیدن شاه‌عباس ظروفی تولید شد که اگرچه به سختی ظروف چینی نبود ولی به قدری به سفال‌های چینی دوره مینگ نزدیک بود که سفالگران به خود جرئت می‌دادند با ثبت حروف چینی در پشتشان آن‌ها را به‌عنوان چینی اصل به اروپا صادر کنند. ثبت این حروف و علامات

هست که نقوش سفید دارد و زمینه آن تا حدودی رنگ آبی دارد (جدول ۲، ردیف ۴). اما در میان سفال‌های کرمان نمونه‌های بسیار متنوعی از نقوش وجود دارد که جالب‌ترین آن‌ها سفال‌های چندرنگ با نقوش متنوعی است که بیانگر ویژگی‌های سفال کرمان است. «گل‌های میخک از جمله عناصر کمیاب ظروف آبی و سفید ایرانی است. به هر حال آن‌ها در ظروف چندرنگ کرمان در همان دوره در کنار رنگ قرمز، عنصر دیگری که در سرامیک‌های آن زمان بی‌نظیر بوده، دیده می‌شوند» (آلن، ۱۳۸۸: ۶۲؛ تصویر ۲۴). در حالی‌که نمونه‌ای از سفال‌های چندرنگ در میان آثار مشهد دیده نمی‌شود، سفال‌های کرمان با تنوع رنگی نسبتاً زیادی وجود دارند. «بیشتر این ظروف ترکیب جالبی از طرح‌های آبی و سفید همراه با رنگ‌های قرمز متمایل به قهوه‌ای و سبز یا سبز متمایل به زرد را نمایش می‌دهند. اسلیمی‌ها، گل‌ها و پیکره‌های انسانی روی این ظروف نقش شده‌اند. این نوع سفالینه چند رنگ در کرمان، در طول سده‌های ۱۶م/۱۰ق تا اوایل سده ۱۸م/۱۲ق تولید می‌شد» (فهروری، ۱۳۸۸: ۷۵).

شیوه و لعاب در سفال‌های کرمان و مشهد
با نگاهی کلی می‌توان دریافت که بیشتر سفال‌های تولیدشده



تصویر ۲۹. سفال تکرنگ کرمان، مأخذ: fehervari, 2000:278.280



تصویر ۲۸. سفال‌های تکرنگ کرمان، سده ۱۷ م، مأخذ: www.vam.ac.uk



تصویر ۳۰. سفال‌های آبی و سفید کرمان، سده ۱۷ م، مأخذ: راست: www.davidmus.dk چپ: www.vam.ac.uk

مشاهده می‌کنیم. نقوش این سفال‌ها معمولاً به صورت فرورفته یا برجسته بود. نوع دیگری از ظروف در کرمان تولید می‌شد که با تقلید از سلادون‌های چینی ولی با نقوشی ایرانی بود و برخی از پژوهش‌گران مانند آرتورلین یا گزا فهوروی این ظروف را با نام ظروف تکرنگ کرمان دسته‌بندی می‌کنند.

روی ظروف تکرنگ کرمان معمولاً نقوش ریز اسلامی از لعاب اولیه خراشیده می‌شود تا زمینه که همان رنگ بدنه است سفیدرنگ باقی بماند (تصاویر ۲۹ و ۲۸). با همین روش، یعنی برداشتن نقوش ریز از لعاب و آشکار شدن رنگ سفید زمینه، نوعی دیگر از سفال تولید می‌شد. این ظروف، که تقلیدی از ظروف چینی است، برعکس ظروفی است که دارای زمینه سفید و نقوش آبی‌رنگ است. رنگ آبی این نوع سفال‌ها معمولاً از اکسید کبالت به دست

چینی در پشت سفال‌های کرمان و مشهد به‌گونه‌ای است که پژوهشگران سفال صفوی در انتساب سفال‌ها به مراکز تولید از آن‌ها کمک می‌گیرند^۱ (تصاویر ۱ و ۲۵). کرمان از نظر لعاب هم تنوع بیشتری نسبت به مشهد دارد. در میان آثار کرمان سفال‌هایی با لعاب سلادون به چشم می‌خورند که تنوع رنگی مطلوبی هم دارند (تصاویر ۲۶ و ۲۷). نخستین بار سفالگران چینی متوجه شدند که اکسید آهن موجود در لعاب در محیط احیایی کوره طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها از سبز تا قهوه‌ای ایجاد می‌کند.^۲

این لعاب اولین بار در اواخر دوره ایلخانی به ایران وارد شد^۳ و پس از آن کرمان همواره یکی از مراکز مهم تولید این نوع لعاب بر ظروف سفالین بود. به همین دلیل، در بین آثار کرمان طیف گسترده‌ای از رنگ‌های سلادون شامل سبز، سبزیتره، سبزی‌تیونی، سبزی‌آبی و قهوه‌ای را

۱. از جمله کسانی که در این زمینه کار کرده‌اند لیزا گلمبک پژوهشگر موزه رویال اونتاریو کانادا است. از وی مقاله‌ای با عنوان «رقم سفالگران صفوی و پرسش از منشأ آن‌ها» در سال ۲۰۰۱ میلادی منتشر شده که مشخصات کامل آن در فهرست منابع لاتین این مقاله آورده شده است.

۲. برای مطالعه بیشتر نک: ساناز رنجی و حسین سرپولکی، ۱۳۸۷. «سیر تحول لعاب سلادون»، گلستان هنر، ۱۴: ۹۴-۸۳.

۳. این تاریخ را فهوروی زکرمی کند (Fehervari, 2000: 276) اما بسیاری از پژوهشگران تاریخ‌های متأخرتری نظیر تیموری یا صفوی را متذکر می‌شوند. به نظر می‌رسد در این میان بتوان سابقه ورود این سفالینه‌ها را همچون سایر تأثیرات سفال چین تا دوره مغول پذیرفت اما نمونه‌سازی و تقلید از آن‌ها در سفال ایران تاریخ‌های متأخرتری را شامل می‌شود.

جدول ۱. مقایسه شکل و کاربرد سفال‌های مشهد و کرمان در دوره صفوی

توضیحات	تصویر و توضیح		توضیحات	ردیف	
	مشهد	کرمان			
پایه قلیان	این ظرف بسیار شبیه به ظروف کندی (ردیف ۴) و احتمالاً کارکرد جدیدی است که برای ظروف وارداتی کندی تعریف شده است.			ظروف کروی شکل	۱

ادامه جدول ۱







ظرفی برای آب و مایعات	چندین نمونه از همین ظرف با تغییرات اندکی در جزئیات طرح وجود دارد.				ظروف گلابی شکل	۲
سلف دان					اسپیتون (Spitton)	۳
کارکردتزیینی پایه قلیان	به توضیحات ردیف ۱ مراجعه شود.			این فرم که تقلیدی از آبخوری‌های چینی است با اشکال مختلف حیوانی در این دوره دیده می‌شود.	کندی (Kendi)	۴
کارکردمصرفی کارکردتزیینی					بشقاب کم عمق	۵
کارکردمصرفی کارکردتزیینی	فرم تقلیدی این قوری از ظروف فلزی هندی هم دوره‌اش الهام گرفته شده است.				کاسه گود	۶
گلدان پایه قلیان					قوری	۷
گلدان					فرم‌های قالب‌گیری شده	۸
کشکول ظرف سس و چاشنی				پیشینه گلدان‌های تک‌شاخه در سفالگری ایران به قرن ششم هجری باز می‌گردد.	گلدان	۹
					ظروف بیضی شکل (کشکول)	۱۰
پاساب حمام - کارکردتزیینی و ...				برخلاف ظاهر این فرم که شبیه به کفش است بعید است که به‌عنوان کفش به کار رفته باشد.	پاساب حمام	۱۱
تنگ آب مسافر	این فرم تقریباً در سفالگری همه دوره‌ها دیده می‌شود. در دوره صفوی این فرم بیشتر در آثار مشهد دیده می‌شود.				تنگ آب (pilgrim Flask)	۱۲

جدول ۲. مقایسه نقوش سفال‌های کرمان و مشهد در دوره صفوی

ردیف	مشهد		کرمان		
	توضیحات	جزئیات	نقش اصلی	نقش اصلی	توضیحات
۱	نقوش اسلیمی و برگ‌های ختایی به صورت آبی و سفید، نقوش حیوانی ساده شده				نقوش بسیاری از سفال‌های اولیه دوره صفوی مشابه نمونه‌های دوره تیموری
۲	تقلید از پیکره‌ها، منظره‌های چینی و نمادهای بودایی تصویری از یک پاگودا				تأثیرپذیری از منظره‌سازی چینی
۳	قلم‌گیری نقوش آبی با خطوط سیاه و آبی تیره				
۴					مشابهت بعضی از نقوش سفال‌های کرمان و مشهد

جدول ۳. مقایسه لعاب و رنگ در سفال‌های مشهد و کرمان در دوره صفوی

ردیف	مشهد		کرمان		
	توضیحات	جزئیات	نقش اصلی	نقش اصلی	توضیحات
۱	در سفال‌های مشهد تنوع رنگی وجود ندارد و فقط انواعی از رنگ‌های آبی وجود دارد				رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای و سبز یا سبز زرد در سفال چندرنگ کرمان
۲	قلم‌گیری نقوش آبی با خطوط سیاه و گاهی آبی تیره در سفال‌های مشهد				
۳	در سفال‌های مشهد ظروفی با لعاب سلادون مشاهده نمی‌شود.				سفال‌های تولید کرمان با لعاب سلادون و تنوع رنگی

در سفال‌های مشهد از تنوع رنگی خبری نیست و فقط انواع آبی دیده می‌شود.					ظروف تکرنگ کرمان با نقوش ریز خراشیده شده ایرانی و رنگ سفید بدنه	۴
					سفال‌های با رنگ زمینه آبی و نقوش ریز سفید خراشیده شده و بارنگ سفید بدنه	۵
نمونه‌های زرین فام در سفال‌های مشهد دیده می‌شود					در ظروف کرمان لعاب زرین فام دیده نمی‌شود.	۶

نتیجه

سفالگری دوره صفوی از آغاز تا پایان این دوره مراحل رشد، تکامل و درخشش خود را به درستی طی کرده است. در آغاز دوره صفوی تأثیرات دوره‌های گذشته تاحدودی در سفالگری صفوی مشاهده می‌شود. با اوج گرفتن هنرهای مختلف این دوره، به ویژه در دوره حکومت شاه عباس، دوشهر کرمان و مشهد، مراکز مهمی در تولید سفال و سرامیک شدند. تأثیرات هنر چینی، که از دوره‌های گذشته در هنر ایران آغاز شده بود، در سفالگری دوره صفوی عامل پیشرفت در فن و تکنیک این رشته هنری شد. سفالگری صفوی هم از نظر فرم، هم از نظر تکنیکی نمونه‌های درخشان سفال‌های دوره‌های پیشین را زنده کرد. مطالعه تطبیقی سفال‌های پدیدآمده در مراکز کرمان و مشهد که نمونه‌های اوج و درخشش سفالگری صفوی هستند نتایج زیر را به دست داد:

- ۱) تأثیرات ظروف و اورداتی چین بر سفال‌های هر دو مرکز کاملاً مشهود است، اما سفال‌های مشهد در این زمینه بارزترند و در نقش و رنگ و فرم تأثیرات هنر چینی را بیشتر نشان می‌دهند.
- ۲) سفال‌های تولید شده در کرمان تنوع بسیار بیشتری در فرم، رنگ و نقوش نسبت به سفال‌های مشهد دارند.
- ۳) سفال‌های سفید و آبی بیشترین حجم سفال‌های برجای مانده از این دو مرکز را تشکیل می‌دهند.
- ۴) بیشتر سفال‌های سفید و آبی مشهد به دلیل قلم‌گیری تیره در نقوش از سفال‌های مشابه کرمان متمایزند.
- ۵) تعداد سفال‌های تولید شده در کرمان بسیار بیشتر از مشهد است و این شاید به علت صادرات بیشتر سفال‌های مرکز کرمان باشد.
- ۶) لعاب‌های متنوعی چون سلادون و تکنیک‌های ایجاد نقش بیشتری در کرمان تولید شده است.

منابع و مآخذ

آلن، جیمز ویلسن. ۱۳۸۳. *سفالگری اسلامی*. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی. ابروین، روبرت. ۱۳۸۹. *هنر اسلامی*. ترجمه رویا آزادفر. تهران: سوره مهر.



- برند، باربارا. ۱۳۸۳. هنر اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- دیمانند، موریس اسون. ۱۳۸۳. راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدالله فریار. تهران: علمی و فرهنگی.
- رایس، دیوید تالبوت. ۱۳۸۶. هنر اسلامی. ترجمه ماه‌ملک بهار. تهران: علمی و فرهنگی.
- سیوری، راجر. ۱۳۸۶/ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- فریه، ردلیو. ۱۳۷۴. هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزانه روز.
- فهروری، گزا. ۱۳۸۸. سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- کنبی، شیلا. ۱۳۸۵. هنر و معماری صفویه. ترجمه مزدا موحد. تهران: فرهنگستان هنر.
- کنبی، شیلا. ۱۳۸۷. عصر طلایی هنر ایران. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز.
- کریمی، فاطمه و کیانی، محمد یوسف. ۱۳۶۴. هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- کونل، ارنست. ۱۳۸۴. هنر اسلامی. ترجمه هوشنگ طاهری. تهران: توس.
- ولش، آنتونی. ۱۳۸۵. شاه عباس و هنرهای اصفهان. ترجمه احمد رضا تقاء. تهران: فرهنگستان هنر.
- هیلن برند، رابرت. ۱۳۸۷. هنر و معماری اسلامی. ترجمه اردشیر اشراقی. چاپ دوم. تهران: روزنه. مقاله‌ها:
- گلمبک، لیزا. ۱۳۸۵. «صنعت سفال صفویه کرمان»، ترجمه فریبا کرمانی، فصلنامه اثر. ۴۰ و ۶۷: ۴۱-۱۵۰.
- محمدی‌فر، یعقوب و بلمکی، بهزاد. ۱۳۸۷. «هنر سفالگری در دوره صفویه، بررسی تکنیک و نقشمایه‌های هنری»، هنرهای زیبا. ۳۵: ۱۰۲-۹۳.
- Canby Sheila R. 2009. *Shah 'Abbas the Remaking Of Iran*. London: the British Museum Press.
- Fehervari, Geza. 2000. *Ceramics of the Islamic world in Tareq Rajab museum*. London: I.B. Tauris
- Golombek, Lisa, et al. 2001. 'Safavid Potters' Marks and the Question of Provenance'. *British Institute of Persian Studies: Iran Vol. 39* 207-236
- Lane, Arthur. 1971. *Later Islamic pottery, Persia, Syria, Egypt, Turkey*. London: Faber and Faber.
- www.rom.on.ca/en(access date: 22/01/2013)
- www.metmuseum.org(access date: 28/11/2012)
- www.brooklynmuseum.org(access date: 21/11/2012)
- www.lacma.org(access date: 21/11/2012).
- www.stokemuseums.org.uk(access date: 22/01/2013)
- www.britishmuseum.org(access date: 26/11/2012)
- www.vam.ac.uk(access date: 14/12/2012)
- www.davidmus.dk(access date: 22/01/2013)

A Comparative Study of Safavid Pottery in Kerman and Mashhad And the Influence of Chinese art on them

Abbas Akbari, PH.D. Faculty member of Architecture and Art, Kashan University, Iran.

Ali Sadeghi Taheri, M.A student, Islamic Arts, Faculty of Architecture and Art, Kashan University, Iran.

Recieved: 2012/10/28

Accepted: 2014/3/6



Safavid pottery, like the other arts in this period has experienced considerable growth and dynamism. In this period masterpieces of pottery, from lusterware and “blue and white» to the Celadon and Kubachi and Gombroon have been produced in numerous centers of pottery. Many ceramics from Kerman and Mashhad have survived from this period.

This research uses the descriptive- analytical method and published material. Knowing the fact that Kerman and Mashhad weren't famous centers of pottery in the history of Persian pottery and the heights of the past (Seljuk and Ilkhanid) periods; in this research we try to answer the following questions: What are the main features of Safavid pottery with regard to form, color, glaze and their application in these centers and to what extent was it influenced by Chinese pottery?

Two cities of Kerman and Mashhad have a considerable share in Safavid pottery during the rise of the Safavid arts (from the late sixteenth century to the early eighteenth century A.D.). The Chinese influences on Mashhad pottery are more evident in its design and qualities of construction. In Kerman, s ceramics we see more variety in form, function, color and glaze. With regards to the considerable multiplicity of remaining ceramic works from these two cities, they can represent the Safavid pottery.

Key words: Safavid Pottery, Kerman Ceramic, Mashhad Ceramic, China Ceramic.